

# معادلات سیاسی اقلیم کردستان عراق: با تمرکز بر نقش اسرائیل در تطویل معمای کرکوک

نویسنده: فائزه جنتی محب\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۲۵

۱۵۹

## چکیده

کردها یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های قومی در خاورمیانه هستند که در چهار کشور عراق، ایران، ترکیه و سوریه حضور دارند و از این میان، تنها کردهای عراق قادر به کسب خودمختاری در مناطق شمالی این کشور شده‌اند. کرکوک نیز شهری است که هم مورد عنایت ویژه اقوام کرد قرار دارد و هم از نظر دولت مرکزی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. امتزاج قومی و وجود ذخایر نفتی در شهر کرکوک، همواره آن را در کانون بحران‌های قومی و سیاسی قرار داده و بازیگرانی چون ترکیه و تا حدی سوریه به‌عنوان مخالفان الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق و اسرائیل به‌عنوان تنها حامی جدی استقلال کردها و قدرتمند شدن بیش از پیش کردها در منطقه خاورمیانه، نقش بسزایی در تشدید بحران‌های این منطقه بر عهده دارند. این مقاله بر آن است با بررسی ریشه‌های بحران در کرکوک شامل ترکیب پیچیده جمعیت، وجود ذخایر نفتی و اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق و نیز نقش بازیگران خارجی در روند تحولات اقلیم کردستان عراق به‌خصوص کرکوک، به این سؤال پاسخ دهد که از میان سناریوهای مطرح شده در خصوص آینده کرکوک، کدام‌یک از قوت بیشتری برخوردار است و رژیم صهیونیستی اسرائیل در پی تحقیق چه سناریوهایی در شمال عراق می‌باشد؟

واژگان کلیدی: کردستان عراق، کرکوک، نفت، ترکیه، رژیم صهیونیستی اسرائیل، راهبرد اتحاد پیرامونی، سوریه

\* دانش‌آموخته علوم سیاسی و محقق مسائل قومی خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال چهاردهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۸۸-۱۵۹

اقلیم کردستان، منطقه‌ای خودمختار، نوپدید و رو به رشد در صفحات شمالی عراق است. این منطقه از شرق با ایران، از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم‌مرز بوده و مرکز آن شهر اربیل می‌باشد. کردستان عراق بین شش استان تقسیم شده است و اقلیم کردستان بر استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و قسمت‌هایی از دو استان نینوا و دیاله تسلط دارد. همچنین، حکومت کردستان خواهان پیوستن استان کرکوک و قسمت‌های وسیع‌تری از استان‌های دیاله و نینوا (شهر موصل) و استان صلاح‌الدین (شهر صلاح‌الدین) به کردستان است.<sup>۱</sup>

در خصوص کرکوک باید گفت که این شهر مرکز استان التمیم عراق است که در ۲۵۰ کیلومتری شمال بغداد قرار گرفته و طبق آمار ۲۰۱۳ جمعیت آن بیش از ۸۸۰ هزار نفر بود.<sup>۲</sup> طبق اسناد تاریخی، کرکوک شهری باستانی و باقی‌مانده شهر آشوری آرافا با پنج هزار سال پیشینه است. در حال حاضر هم شهر کرکوک نقطه تلاقی نگاه مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق به‌عنوان قلب کردستان و جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی به‌عنوان قدس کردستان و از نگاه ترکیه و آمریکا بزرگ‌ترین حوزه نفتی خاورمیانه به حساب می‌آید.<sup>۳</sup>

مسائل قومی، نفت و مسائل مذهبی همواره این شهر را به کانون بحران‌های قومی و سیاسی تبدیل کرده است. اختلافات زیادی بر سر بافت جمعیتی کرکوک وجود دارد، به‌طوری‌که منابع ملی‌گرای کردی به‌طور عمده اکثریت جمعیت را متعلق به کردها، منابع عربی متعلق به عرب‌ها و منابع ترکمنی متعلق به ترکمن‌ها می‌دانند. با این حال آنچه پیداست، بافت چندقومی این شهر است که علاوه بر کردها، عرب‌ها و ترکمن‌ها، در بخشی از مناطق این شهر آشوریان و کلدانیان نیز زندگی می‌کنند.

ذخایر نفت ثابت شده عراق تا پایان ۲۰۰۸ بالغ بر ۱۱۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که این میزان معادل ۱۱ درصد کل ذخایر نفتی جهان محسوب می‌شود و عراق را در جایگاه سومین کشور دارنده عظیم‌ترین ذخایر نفتی جهان پس از عربستان و ایران قرار می‌دهد. این ذخایر نفتی در ۱۲ استان عراق پراکنده شده است، به‌گونه‌ای که بیش از ۶۰ درصد آن در بصره، حدود ۱۰ درصد آن در کرکوک و مابقی هم در استان‌های عماره، بغداد، ناصریه، موصل، اربیل، صلاح‌الدین، واسط،

دیالی، کربلا و نجف قرار دارد.<sup>۴</sup> وجود ذخایر نفتی در شهر کرکوک خود زمینه‌ساز ایجاد بحرانی است که نه تنها جنبه منطقه‌ای دارد، بلکه در مناسبات بین‌المللی این شهر نیز اثرگذار است.

از لحاظ طبیعت حاصل‌خیز این شهر باید، گفتنی است که رودی به نام حساسو از وسط شهر کرکوک عبور و آن را به دو بخش تقسیم می‌کند. به‌علاوه، رود زاب کوچک یکی از مهم‌ترین سرشاخه‌های دجله است که حدود ۴۵ کیلومتر از مرکز شهر فاصله دارد. این دو رود زمین‌های کرکوک و نواحی اطراف آن را آبیاری کرده و باعث حاصل‌خیزی آن شده‌اند.

بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی نظام فدرال عراق، می‌بایست در سال ۲۰۰۷ وضعیت شهر کرکوک با برگزاری همه‌پرسی و سرشماری میان ساکنین آن روشن می‌شد، اما چالش‌های امنیتی به‌وجود آمده پیرامون این مساله باعث به تاخیر افتادن برگزاری این همه‌پرسی در شهر کرکوک تا به امروز شده است.

بحران کرکوک ریشه در عوامل مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها را سه عامل ترکیب جمعیت، منابع سرشار نفت و ابهام این موضوع در قانون اساسی عراق تشکیل می‌دهند.

### مساله پیچیده جمعیت و سیاست تعریب

همان‌طور که در مقدمه ذکر کردیم، کرکوک شهری چندپاره و متشکل از اقوام کرد، عرب، ترکمن و آشوری است. برابر آمار ارایه شده در سرشماری ۱۹۵۷ تقسیم جمعیتی کرکوک عبارت است از: کردها ۱۷۸۰۰۰ نفر، ترکمن‌ها ۴۸۰۰۰ نفر، اعراب ۴۳۰۰۰ نفر، آشوری‌ها و کلدانی‌ها ۱۰۰۰۰ نفر.<sup>۵</sup>

هرچند طی سال‌های پس از ۱۹۵۷ طرح‌هایی مانند تعریب و راندن کردها از سکونت‌گاه‌های خود انجام شده، پس از سقوط صدام می‌توان گفت شرایط تاحدود زیادی به حالت اولیه برگشته است. منابع غیررسمی در حال حاضر جمعیت کردها را برابر با دو قومیت دیگر، یعنی اعراب و ترکمن‌ها می‌دانند. روند تخلیه بخش قدیمی کرکوک در واقع جزئی از پروژه ۴۰ساله‌ای بود که کردها از آن تحت‌عنوان عربی کردن کرکوک (تعریب) یاد می‌کنند. این روند از نظر آنان نه با آغاز حاکمیت صدام، بلکه از ۱۹۶۳ آغاز شد و تا آخرین روزهای پیش از آغاز تهاجم ائتلاف تحت

رهبری ایالات متحده به عراق ادامه داشت. رژیم بعث عراق ده‌ها هزار کرد عراقی را وادار به ترک کرکوک کرده بود. برخی منابع کرد این میزان را تا ۳۰۰ هزار نفر نیز برآورد می‌کنند.<sup>۶</sup> در این روند، کردها و سایر اقلیت‌ها وادار به ترک کرکوک شده و در مقابل، اعراب (غالباً شیعی) از جنوب و مرکز به کرکوک انتقال داده می‌شدند. این همه در حالی بود که رژیم بعث عراق هیچ‌گاه وجود برنامه پاک‌سازی قومی کرکوک و عربی کردن این شهر را نپذیرفت. چند هفته پیش از حمله ائتلاف به عراق، بغداد با ارسال پیام محرمانه‌ای برای شهرداری کرکوک، دستور نابودی تمام اسناد مربوط به اسکان اعراب در کرکوک و خرید املاک اکراد را صادر کرد.

برنامه عربی کردن تا حدودی هدف تضمین کنترل حاکمیت صدام بر منابع نفتی کرکوک را دنبال می‌کرد. اما انگیزه اصلی رژیم صدام از اجرای این برنامه، ایدئولوژیک بود. صدام قصد داشت با این کار هم از انسجام و یک‌پارچگی شیعیان در جنوب (به‌خصوص پس از انتفاضه شیعیان در ۱۹۹۱) بکاهد و هم با عربی ساختن کرکوک و برهم زدن ساختار جمعیتی این شهر، انتقام چند دهه فعالیت ضد دولتی را از کردها بگیرد و به کرکوک هویتی عربی ببخشد. صدام می‌دانست کرکوک شهری با پیشینه هزار ساله است که در مسیر تجارت روم و ایران‌باستان قرار داشته و در هیچ بخشی از تاریخ این شهر اثری از گرایش به اعراب دیده نمی‌شود، همچنین این شهر از لحاظ فرهنگی نیز هیچ نشانی از سنن عربی با خود ندارد. وی می‌دانست کردها قومی باستانی هستند که به زبان هند و اروپایی تکلم می‌کنند و در نتیجه بیش از همه به ایرانی‌ها نزدیک هستند.<sup>۷</sup> به‌همین دلیل وی برای رهایی از این کابوس‌ها و تحقق اهداف خود دست به پاک‌سازی قومی در این منطقه زد و توانست طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ قریب ۵۰ هزار خانواده عرب را از بخش‌های مرکزی و جنوب عراق به کرکوک کوچ دهد.<sup>۸</sup>

در این رابطه ویلیام ایگلتون که از او به‌عنوان کارشناس مسایل کردستان عراق نام برده می‌شود، هنگامی که با اصرار طالبانی در مورد وقایع کردستان مواجه شد، اظهار داشت: «لازم نیست شما چیزی را به من ثابت کنید. من در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ کنسول آمریکا در کرکوک بودم. آن زمان عرب‌ها فقط پنج درصد جمعیت کرکوک را تشکیل می‌دادند و هیچ تردیدی وجود ندارد که آنها از سوی حکومت عراق به اینجا آورده شده‌اند.»<sup>۹</sup>

در روند اجرای سیاست تعریب در کرکوک، پاک‌سازی قومی به‌طور مرحله‌ای انجام می‌شد. هدف از این سیاست، ایجاد شهری با اکثریت عرب بود. علاوه بر این، پاره‌ای از شهرک‌های اقماری در اطراف کرکوک ساخته شد که تمامی ساکنانشان از اعراب بودند. بعدها طرحی از سوی دولت به تصویب رسید که بر اساس آن اکراد و ترکمن‌هایی که در آمارگیری جامع ۱۹۵۷ به سکونتشان در کرکوک اشاره‌ای نشده بود، حق سکونت در این شهر را نداشته باشند؛ که این به معنای آواره شدن هزاران کرد و ترکمن بود. در راستای این طرح آموزش سایر زبان‌ها به جز عربی در عراق ممنوع شد و کردها و سایر غیرعرب‌ها از استخدام در بخش‌های دولتی محروم شدند تا قبل از آن، از ۱۱ هزار کارمند شرکت ملی نفت عراق، هشت هزار تن از اکراد بودند، اما با اجرای این طرح بخش اعظم کارکنان کرد این شرکت پاک‌سازی شدند.<sup>۱۰</sup> سال ۱۹۸۸ اوج تعقیب و سرکوب اکراد توسط رژیم بعث عراق بود و مسئولیت اجرای پروژه عرب‌سازی کرکوک را «طاها یاسین رمضان» از دوستان دیرینه صدام و معاون نخست‌وزیر عراق که خود کرد بود بر عهده داشت.<sup>۱۱</sup>

در مورد تاریخ سکونت و حاکمیت در این منطقه اختلاف نظر وجود دارد و از دیدگاه کردها، کرکوک جزئی از منطقه‌ای به شمار می‌آید که کردستان نامیده می‌شود و در قرن نوزدهم شهر کرکوک پایتخت «شهر زور» کرد بود. اما از دیدگاه اعراب دو قبیله عربی «تکریتی» و «العبیر» ساکنان اصلی این شهر هستند. قبیله تکریتی در قرن شانزدهم به همراه سلطان مراد چهارم، سلطان عثمانی از سوریه به عراق مهاجرت کردند، عثمانی‌ها نیز به پاس وفاداری‌های این قبیله، زمین‌ها و روستاهایی در جنوب غربی کرکوک به اضافه شهر تکریت را به آنها بخشیدند. قبیله العبیر نیز پس از بروز درگیری‌های قبیله‌ای در شهر موصل آنجا را ترک و در ۱۹۳۵ در زمان حکومت یاسین الهاشمی به کرکوک مهاجرت کردند. اما ادله کردها، به‌خصوص بر اساس رویدادهای تاریخ معاصر عراق از قوت بیشتری برخوردار است.<sup>۱۲</sup> با نگاهی به توافق حکومت عراق با ملامصطفی بارزانی<sup>۱۳</sup> به تاریخ یازدهم مارس ۱۹۷۰ (مشمتمل بر ۱۵ ماده)، مبنی بر تشکیل دولت خودگردان کرد که طی آن رژیم عراق حقوق کردها، از جمله حق مشارکت در حکومت و استفاده از زبان کردی در مؤسسات آموزشی را به رسمیت شناخت، می‌توان دریافت قدمت پذیرش حاکمیت اکراد بر کرکوک خیلی پیشتر از توافق‌های پس از سقوط صدام میان دولت مرکزی و ایالت کردستان است. البته در همان زمان نیز

مساله کرکوک به شکل قطعی خاتمه نیافت و برای حل و فصل آن طی این معاهده توافق شد که یک طرح آمارگیری برای تعیین نسبت قومیت‌ها در این شهر به اجرا گذاشته شود. زمان ارایه این طرح به ۱۹۷۷ موکول شد، اما با فرا رسیدن این تاریخ طرح مذکور اعتبار خود را از دست داده بود؛ چرا که در ۱۹۷۴ و با اعلام رسمی ملامصطفی بارزانی مبنی بر حق کردها در تصاحب نفت کرکوک، روابط حکومت عراق با او رو به تاریکی گرایید. حکومت عراق اصرار کردها را مبنی بر کرد بودن کرکوک اعلان جنگ بر شمرد و معاهده تشکیل دولت خودگردان را بی اعتبار اعلام کرد.

پس از سرنگونی دولت صدام توسط آمریکا، بازگشت کردها و ترکمن‌ها به شهر کرکوک آغاز و بار دیگر کشمکش‌ها و اختلافات از سر گرفته شد، به خصوص آنکه اکنون کردها و ترکمن‌ها خواهان بازپس‌گیری زمین‌ها و خانه‌های خود از اعراب اسکان داده شده در این شهر بودند که در زمان حاکمیت صدام حسین، حکومت بعث به زور و در ازای ده هزار دینار و امکاناتی از جمله قطعه زمینی کوچک در داخل شهر، آنها را به کرکوک کوچ داده بود و به همین دلیل در کرکوک به اعراب ده هزار دیناری معروف گردیده بودند.

خواست اصلی کردها که خود را ساکنان واقعی کرکوک می‌دانستند، جدایی کرکوک نفت خیز و نواحی اطراف آن از مناطق عربی و پیوستن آن به منطقه کردستان بود. بند ۱۴۰ قانون اساسی موقت عراق هم تا حدودی قوام‌بخش حاکمیت کردها بر کرکوک است. هرچند از دسامبر ۲۰۰۷ که اجرای این بند به تاخیر افتاد، اختلافات میان حکومت اقلیم کردستان و دولت مرکزی بالا گرفت. جدیدترین محل نزاع آنگاه شکل گرفت که نمایندگان کرد پارلمان خواهان اختصاص ۱۷٪ از بودجه سالانه عراق به ایالت کردستان شدند، موضوعی که سایر جریان‌های سیاسی غیرکرد به شدت با آن مخالفت کردند.

موضوع دیگر بحث، قانون انتخابات عراق بود که در بندی از ماده ۲۴ این قانون بر تقسیم کرکوک به چهار منطقه انتخابیه تاکید داشت که در نهایت این بند حذف شد. اما در حال حاضر اعراب و ترکمن‌ها خواستار تقسیم کرکوک به چهار منطقه انتخاباتی هستند، به این ترتیب که اعراب و ترکمن‌ها و کردها هرکدام به نسبت برابر ۳۲ درصد و مسیحیان هم چهار درصد را در اختیار داشته باشند.

کردها از دیرباز خواهان برگزاری همه‌پرسی بوده‌اند، مساله‌ای که در قانون اساسی عراق هم بر آن تاکید شده است. اما ترکمن‌ها و اعراب به‌هیچ وجه حاضر به پذیرش آن نیستند. کردها تا پیش از فروپاشی رژیم بعث عراق در این کشور به‌خصوص در شهر کرکوک پس از اعراب و ترکمن‌ها شهروندی درجه سه محسوب می‌شدند، اما امروز خواهان کنترل و تسلط مطلق بر کرکوک هستند و این خواسته‌ای است که به هیچ وجه مطلوب اعراب و ترکمن‌ها نیست.<sup>۱۴</sup> آنچه می‌تواند اختلافات قومی در کرکوک را تشدید کند، حضور اعراب در این شهر است که اساسا تمایلی به زندگی زیر سلطه افراد که تا چندی پیش شهروندی درجه سه محسوب می‌شدند، ندارند و این موضوع می‌تواند آنان را که جمعیتی قابل توجه در کرکوک هستند، به حمایت از ترکمن‌ها و در نتیجه تشدید هرچه بیشتر درگیری‌ها سوق دهد. اعراب شهر کرکوک تا پیش از فروپاشی رژیم بغداد از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند که در شرایط امروز امتیازات مذکور را از دست داده و در صورت تسلط کردها بر این شهر بیش از پیش امتیازات را از دست خواهند داد و این وضعیتی است که تحمل آن از سوی اعراب کرکوک که نبض اقتصاد این شهر را در دست دارند، بسیار بعید به نظر می‌رسد.

در یک بررسی اجمالی از میان همه عواملی که موجب تمایز اقلیت نژادی کرد نسبت به سایر اقوام ساکن در عراق می‌شود، سه عامل از ویژگی برجسته‌تری برخوردار است:

نخستین عامل، امتیازهای مهمی است که این اقلیت نژادی توانسته با استناد به قانون اساسی عراق کسب کند و به این ترتیب جایگاه سیاسی خود را در تحولات این کشور تثبیت نماید. از همان ابتدای تشکیل شورای حکومتی و آغاز مباحث تدوین قانون اساسی، یکی از موضوعات بحث برانگیزی که مطرح شد، مشکل فدرالیسم و سطح توقع سیاسی اقوام مختلف در کشور عراق بود. اگرچه کردها از ابتدا خواستار یک ایالت مستقل با قدرت گسترده و در عین حال متحد با عراق بودند، در مذاکرات خود با دولت مرکزی همواره بر تشکیل دولت فدرالی بر اساس عامل قومیت تاکید می‌کردند. این در حالی است که برخی از اعضای شورای حکومتی، خواستار تشکیل دولت فدرال بر اساس فاکتور منطقه بودند. در واقع استدلال این افراد بر این پایه استوار بود که تعیین مرز میان ۱۸ استان عراق بسیار دشوار خواهد بود؛ چرا که به‌دلیل امتزاج اقوام کرد، عرب و سایر نژادهای دیگر در مناطق ثروتمند نفتی عملا اقدام به چنین کاری دور از ذهن خواهد بود.

از همین رو بر اساس ماده چهار قانون اساسی موقت، در مذاکرات مذکور تصریح شد که نظام فدرالی بر پایه حقایق جغرافیایی تاریخی و جدایی بین قوا بنیان نهاده شده و نه بر اساس اصالت، نژاد، قومیت و مذهب. عملاً بحث فدرالیسم بر مبنای قومیت از دستور مذاکرات خارج شد و بدین ترتیب ظاهراً کردها عقب‌نشینی کردند، اما برای اینکه همچنان بتوانند در صحنه سیاسی عراق اثرگذار باشند، سایر اعضای شورا را مجبور به تمکین از خواسته‌های بعدی خود کردند.

در حال حاضر به موجب ماده ۵۳ قانون مذکور، حکومت منطقه کردستان با مساحتی حدود ۷۴ هزار کیلومتر مربع شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیالی و نینوا به رسمیت شناخته شده و در ادامه همین بند آمده است: «منظور از اصطلاح حکومت منطقه کردستان، همان پارلمان ملی کردستان و هیات دولت و تشکیلات قضایی در این منطقه است.»

دومین عامل، امتیاز کردها در کسب مناصب مهم حکومتی در عراق است که از هر نظر توانسته منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت آنها را تامین کند، و سومین عامل، امتیاز بهره‌مندی کردها از سابقه ۱۲ ساله نسبتاً موفق آنها در اداره مناطقی از شمال عراق بعد از وقایع جنگ اول خلیج فارس است. با وجود امتیازاتی که کردها از آن برخوردار شده‌اند، مسایل عمده‌ای وجود دارد که همچنان وضعیت این اقلیت قومی را در مواجهه با تحولات آتی در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان دریافت مساله تعیین حاکمیت بر کرکوک خیلی پیچیده‌تر از آن است که بتوان با انتخاب هر راهی آن را مختومه اعلام کرد. به‌طور قطع در این میان مساله جمعیت در کرکوک حکم‌گره‌ای را دارد که تا گشوده نشود، نمی‌توان به آینده خوش‌بین بود.

### مساله نفت

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، کرکوک یکی از غنی‌ترین شهرهای عراق و دارای ۱۰ درصد ذخیره نفت عراق است. محور بهره‌برداری از ذخایر نفت در عراق به دو میدان اصلی محدود می‌شود که عبارتند از میدان الرمیة در جنوب شامل ۶۶۳ حلقه و میدان کرکوک در شمال، شامل ۳۳۷ حلقه چاه نفتی.<sup>۱۵</sup> میدان نفتی کرکوک در ۱۹۲۷ کشف شد و از آن زمان تاکنون

بهره‌برداری از آن ادامه دارد، لذا این میدان نفتی با فرسودگی مواجه شده است و این موضوع در دوران محاصره اقتصادی عراق در دهه ۱۹۹۰ شدت یافت. اصلی‌ترین چاه‌های نفت کرکوک به نام باباگر شهرت دارد. سایر حوزه‌های نفتی مهم آن جمبور، بای حسن شمالی و جنوبی، آفانا، خباز، جبل بور و خرماله نام دارند.<sup>۱۶</sup> چاه‌های نفت کرکوک به فراوانی تولید و مرغوبیت شهرت دارند که از جمله نفت‌های سبک دنیا محسوب می‌شود. در حقیقت کرکوک یکی از مهم‌ترین مراکز نفت‌خیز و شاه‌کلید ثبات و آرامش در شمال عراق به‌شمار می‌آید.

خط لوله کرکوک-جیحان، نفت تولیدی از منطقه کوکوک را به بندر جیحان ترکیه در دریای مدیترانه منتقل می‌کند. جریان انتقال نفت کرکوک به پایانه صادراتی ترکیه در بندر جیحان روزانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه نفت است. این خط لوله که مسیر اصلی صدور نفت کرکوک به بندر جیحان ترکیه است، از زمان حمله آمریکا به عراق به‌طور عمده پیوستگی کار خود را از دست داده و تلاش‌های عراق را برای جریان پیوسته نفت به تاخیر انداخته است. ظرفیت کنونی تولید نفت عراق از میدان‌های شمالی ۷۰۰ هزار بشکه در روز است که در حدود ۲۰۰ هزار بشکه آن برای مصرف داخلی در اختیار پالایشگاه «بیجی» در شمال کشور عراق قرار می‌گیرد و بقیه صادر می‌شود. همچنین خط لوله کرکوک-بانیاس که در اواخر دهه ۱۹۹۰ در چارچوب توافق دولت سوریه و بغداد (رژیم بعث صدام) در عراق راه‌اندازی شده بود، در پی سرنگونی این رژیم مسدود شده است. سوریه و عراق در اواخر ۲۰۰۶ رایزنی‌هایی را در خصوص راه‌اندازی مجدد این خط لوله با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه در روز انجام دادند. این خط لوله سالانه حدود یک میلیارد و دویست میلیون دلار برای سوریه درآمد خواهد داشت. اقتصاددانان سوری معتقدند فعالیت مجدد خط لوله کرکوک - بانیاس در جبران کاهش تولید نفت سوریه مؤثر خواهد بود؛ زیرا تولید نفت سوریه در سال‌های اخیر از ۶۰۰ هزار بشکه در روز به حدود ۳۷۰ هزار بشکه کاهش یافته است.<sup>۱۷</sup>

با اذعان به این موضوع می‌توان دریافت که مساله کرکوک فراتر از مساله‌ای صرفاً قومیتی است؛ زیرا دستیابی به چنین منابع عظیمی خارج از معادلات قومیتی، برای هر دو طرف یعنی ایالت کردستان و دولت مرکزی وسوسه‌انگیز است. از سوی دیگر با توجه به اختلافات دیرینه

کردها در سوریه و ترکیه، قرار گرفتن کرکوک و اختیار منابع انرژی آن در دست کردهای عراق، می‌تواند به‌عنوان اهرم فشاری بر دولت‌های سوریه و ترکیه در خصوص مسایل کردهای این کشورها مورد استفاده قرار گیرد. شاید همین موضوع باشد که جدای از حساسیت ترکیه به وضعیت ترکمن‌ها در کرکوک، باعث شده این کشور مواضع تندی علیه حاکمیت اکراد بر کرکوک اتخاذ نماید.

مقامات محلی کردستان عراق در آوریل ۲۰۰۷ قانون نفت مورد نظر خود را برای جذب شرکت‌های خارجی به این منطقه، تصویب کردند.<sup>۱۸</sup> قانون نفت منطقه کردستان جدا از قانون پیشنهادی ملی نفت است که هدف از آن توزیع ذخایر نفتی عراق میان سنی‌ها، شیعیان، کردها و دیگر گروه‌های این کشور اعلام شده است. تصویب قانون ملی نفت عراق به‌دلیل اختلاف‌های گسترده میان سنی‌ها، شیعیان و کردها بر سر کنترل میدان‌های نفتی به تعویق افتاده است. پس از تصویب این قانون، مقامات محلی این ایالت شروع به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در میدان‌های نفتی شمال عراق کردند. این قانون با مخالفت شدید دولت مرکزی روبه‌رو شد، به‌طوری‌که حسین شهرستانی، وزیر سابق نفت عراق، در این خصوص گفته است: «این مصوبه غیرقانونی است و به‌محض نهایی شدن قانون ملی نفت عراق، تمامی قراردادهایی که با شرکت‌های خارجی امضا شده است، بازمینی خواهند شد.»<sup>۱۹</sup> اما شرکت‌هایی همچون توتال فرانسه، جنرال انرژی، گلف کیستون، هریتیج، DNO، نروژ، شرکت سوییس آداکس پترولیم و شرکت ترکیه‌ای جنرال انرژی بدون توجه به تهدیدات بغداد عملیات حفاری در شمال عراق را دنبال می‌کنند.<sup>۲۰</sup> این شرکت‌ها به‌دلیل امنیت نسبی و ثبات حاکم در منطقه کردستان جذب سرمایه‌گذاری در این منطقه شده‌اند و این در حالی است که شهرهایی همچون بغداد همچنان فاقد امنیت لازم هستند.

مساله انعقاد قراردادهای نفتی از سوی مقامات کرد طی ماه‌های اخیر اختلافات میان دولت مالکی با منطقه کردستان را تشدید کرده است، به‌گونه‌ای که دولت از کاهش بودجه کردستان عراق به‌دلیل افزایش درآمدهای نفتی سخن به‌میان آورده که این مساله خشم کردها را برانگیخته است. دولت عراق و حسین شهرستانی به‌طور جدی قصد دارند نام شرکت‌هایی که در این منطقه

با کردها قرارداد نفتی امضاء می‌کنند را در لیست سیاه قرار دهند. شهرستانی اعلام کرده است که انعقاد هرگونه قرارداد نفتی با منطقه کردستان غیرقانونی و از درجه اعتبار ساقط است و بغداد هر شرکت نفتی که با منطقه کردستان فعالیت کند را مجازات خواهد کرد.<sup>۲۱</sup>

از طرف دیگر هم عرب‌های سنی که در مناطق بدون ذخایر اثبات شده نفتی مرکز عراق متمرکز شده‌اند، برای حفظ نظارت دولت مرکزی بر این صنعت فشار می‌آورند؛ زیرا نگرانند کردها و شیعیانی که در مناطق نفت‌خیز شمال و جنوب این کشور زندگی می‌کنند، کنترل قراردادهای نفتی و منافع حاصل از آنها را به‌خود اختصاص دهند. در ارتباط با همین اختلاف‌ها، «انجمن علمای سنی» عراق نیز در بیانیه‌ای قانون نفتی کردها را رد و شرکت‌های خارجی را به خودداری از سرمایه‌گذاری در این منطقه ترغیب کرد.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت وجود پتانسیل‌های انرژی در قسمت‌های کردنشین عراق به‌ویژه در شهر کرکوک، باعث به‌وجود آمدن شکافی عمیق میان دولت مرکزی و ایالت کردستان شده است، به‌طوری‌که هریک از دو طرف سعی در تصاحب چاه‌های نفتی مناطق شمالی عراق برای سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در این مناطق و کسب حداکثری سود حاصل از آن را دارد.

### اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق و تداوم بحران در کرکوک

اقلیم کردستان که تنها وجه فدرالیسم عراق جدید محسوب می‌شود، خواهان اجرای بند ۱۴۰ قانون اساسی عراق است. این بند که در ۲۲ اوت ۲۰۰۵ به تصویب رسید، دارای دو بخش است: **بخش اول:** قوه مجریه عهده‌دار اجرای گام‌های تکمیلی برای پیاده کردن کامل بند ۵۸ قانون اساسی موقت اداره دولت عراق است؛

**بخش دوم:** مسئولیت‌های قوه مجریه در دولت موقت که در بند ۵۸ قانون موقت دولت عراق آمده بود، به قوه مجریه منتخب در دولت دایم نیز تعلق می‌گیرد. این مسئولیت عبارت است از آرام‌سازی، آمارگیری و اجرای همه‌پرسی در کرکوک و دیگر مناطق محل نزاع، تا آینده آنها طبق خواسته شهروندانشان رقم بخورد. البته در قانون اساسی عراق پیش‌بینی شده است که فرایند

بازگرداندن اعراب کوچانده شده به منطقه کرکوک در زمان رژیم صدام، به سکونت‌گاه‌های اصلی خود در مرکز و جنوب عراق نیز باید به طور کامل انجام پذیرد.<sup>۲۲</sup>

اواخر مه ۲۰۰۵، پارلمان کردستان عراق، موفق الربیعی، مشاور امنیت ملی نخست‌وزیر عراق، را به‌عنوان نامزد ریاست هیات اجرایی بند ۱۴۰ قانون اساسی معرفی کرد. پیش از آن هاشم الشبلی، وزیر مستعفی دادگستری عراق، عهده‌دار این سمت بود. الربیعی بغدادی‌الاصل و یکی از رهبران سابق حزب الدعوه اسلامی است. المالکی نیز یکی از اعضای برجسته این حزب به‌شمار می‌آید. وی پس از سقوط نظام سابق عراق در بهار ۲۰۰۳ عضو شورای حاکمیت عراق شد، سپس پل برمر، اولین فرمانده غیرنظامی آمریکایی عراق، او را به سمت مشاور امنیت ملی خود برگزید. الربیعی این سمت را در دولت‌های ابراهیم جعفری و ایاد علاوی، نخست‌وزیران وقت و نوری المالکی، نخست‌وزیر کنونی عراق، نیز حفظ کرده است. در نهایت در ژوئن ۲۰۰۵ نوری المالکی با درخواست کردها موافقت کرد و الربیعی را در منصب ریاست هیات اجرای بند ۱۴۰ قانون اساسی عراق گماشت. اما ترکمن‌ها و عرب‌ها با این انتخاب مخالفت کردند. جبهه ترکمن‌ها در بیانیه‌ای، انتخاب الربیعی به‌عنوان رییس هیات اجرای بند ۱۴۰ قانون اساسی را اقدامی مخالف قانون اساسی عنوان و اعلام کرد: «از نوری المالکی نخست‌وزیر می‌خواهیم شخصیتی سیاسی، عادل و بی‌طرف را برای این سمت انتخاب کند تا بتواند میان طرف‌های درگیر، با عدالت قضاوت نموده و در برابر فشار کردها تسلیم نشود.»

دلیل مخالفت ترکمن‌ها و عرب‌ها با انتخاب الربیعی، «مواضع جانبدارانه او به نفع کردها» است. پیش از این الربیعی در یک مصاحبه تلویزیونی در پاسخ به سؤالی درباره منطقه نفت‌خیز کرکوک گفته بود: «در حقیقت کرکوک شهری کردستانی است که وضعیت جغرافیایی آن نیز این مساله را تایید می‌کند. آینده کرکوک پس از بازگشت مردم اصلی منطقه، که نظام سابق آنها را از شهر و دیار خود رانده بود، تعیین می‌شود. مساله عرب‌هایی که به این منطقه آورده شده‌اند نیز با غرامت اندکی حل خواهد شد. اگر همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت کرکوک با حضور ساکنان اصلی آن برگزار شود، این شهر به‌عنوان شهری کردستانی انتخاب خواهد شد.» ترکمن‌ها و عرب‌ها معتقدند الربیعی با هم‌دستی با کردها به‌دنبال تامین منافع خود است. در خصوص اجرای این بند،

مسعود بارزانی رییس اقلیم کردستان عراق گفته است: «کرکوک شهری است کردستانی که بند ۱۴۰ قانون اساسی باید در خصوص آن اجرا و پس مانده‌های سیاست تعریب از کرکوک، سنجار، موصل، دیالی و دیگر مناطق کردستان محو و همه‌پرسی در خصوص آینده این شهر برگزار شود.»<sup>۲۳</sup>

جلال طالبانی، رییس جمهور کرد عراق، نیز بیان داشته است: «مساله کرکوک مساله داخلی عراق است و باید طبق بند ۱۴۰ قانون اساسی حل و فصل شود. تمام گروه‌ها باید سیاست حکیمانه‌ای برای برقراری وفاق و زندگی مسالمت‌آمیز میان ساکنان این شهر که از قومیت‌های ترکمن، کرد، عرب، کلد و آشوری تشکیل شده‌اند، پیش گیرند.» مفاد بند ۱۴۰ قانون اساسی عراق باید حداکثر تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷ اجرا می‌شد، اما همان‌طور که گفته شد، به دلیل وجود اختلافات گسترده میان کردها، اعراب و ترکمن‌ها و همچنین مخالفت آشکار کشورهای چون ترکیه و سوریه تا به امروز به تعویق افتاده است.

### قدرت‌های مؤثر در تحولات اقلیم کردستان عراق

شش کشور ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی، سوریه و ایران کشورهای مؤثر در تحولات کردستان عراق هستند که در این قسمت به بررسی نقش سه کشور ترکیه، اسرائیل و سوریه به‌عنوان مهم‌ترین نیروهای خارجی اثرگذار بر روند تحولات اقلیم کردستان عراق در شرایط فعلی بسنده می‌کنیم.

#### یک. ترکیه

ترکیه کشوری است واقع در شمال عراق که جمعیت آن تا ۲۰۰۳ میلادی حدود ۷۱ میلیون نفر تخمین زده شده است. کردها بزرگ‌ترین اقلیت نژادی ترکیه هستند که ۱۱ درصد از این جمعیت ۷۱ میلیون نفری را تشکیل می‌دهند.<sup>۲۴</sup> حدود دوسوم کردهای ترکیه در جنوب شرقی و شرق ترکیه (موسوم به کردستان ترکیه) سکونت دارند. این منطقه با مساحتی حدود ۲۳۰ هزار کیلومتر مربع، ۳۰ درصد از خاک ترکیه را تشکیل می‌دهد. ۹۰ درصد از جمعیت کردستان ترکیه، کرد هستند و فقط ۱۰ درصد جمعیت این منطقه غیرکرد (اعراب،

ارامنه، ترک‌ها و علوی‌ها) می‌باشند. کردها در ۱۴ استان ترکیه از قبیل: حکاری، وان، آغری، قارص، سیرت، تبلیس، موشی، دیار بکر، بینگول، تونجلی (درسیم)، ماردین، اورفا، آدیامان و آلازیغ اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند.<sup>۲۵</sup>

روند تحولات عراق پس از حمله ائتلاف تحت رهبری آمریکا به این کشور، دغدغه قابل توجهی برای ترکیه ایجاد کرده است. آنکارا تا پیش از حمله به عراق با این اقدام به شدت مخالفت می‌کرد و دلیل این موضوع را ضربه چپین جنگی به اقتصاد بحرانی ترکیه و احتمال تشکیل دولت مستقل کرد در شمال عراق می‌دانست. بعد از سفر پل ولفوویتز، معاون وقت وزیر دفاع آمریکا، این سرسختی کاهش یافته و در جریان سفر وی به ترکیه، چهار شرط را برای همکاری با حمله آمریکا به عراق مطرح کرد<sup>۲۶</sup> که عبارت بودند از:

یک. ممانعت از تشکیل دولت مستقل کرد در شمال عراق؛

دو. خودداری از واگذاری کرکوک و موصل به کردها؛

سه. جبران زیان‌های اقتصادی ترکیه؛ و

چهار. حمایت مردم عراق از رژیم آینده آن کشور.

پس از موافقت آمریکا با شروط پیشنهادی ترکیه، آنکارا رضایت خود را با این حمله اعلام کرد، اما با خروج نیروهای آمریکایی از عراق و عدم موفقیت ترکیه در محقق شدن شروط خود و دستیابی به منابع نفتی شهر کرکوک، نگرانی آنکارا از روند موفقیت‌های مقامات کردستان عراق روزبه‌روز فزونی یافت. همچنین بی‌اعتنایی واشنگتن به درخواست‌های مکرر ترکیه در خصوص سرکوب پ.ک.ک. موجب بی‌اعتمادی آنکارا به وعده‌های آمریکا شده است. مقام‌های آمریکا بارها در واکنش به ابراز نگرانی ترکیه از حضور پ.ک.ک. در شمال عراق، اعلام داشته‌اند این مشکل راه‌حل سیاسی دارد و ترکیه نباید به قوه قهریه توسل جوید. تحلیلگران ریشه نگرانی ترکیه از روند تحولات عراق را عمیق‌تر از مساله پ.ک.ک. می‌دانند و آن را در وضعیت جدید سیاسی کردستان عراق و دغدغه‌های ترکیه از پیامدهای منطقه‌ای آن جستجو می‌کنند، با این حال بیشترین حساسیت و نگرانی ترکیه بر مساله کرکوک متمرکز است.

مقامات ترکیه اذعان دارند کردهای عراق بلافاصله پس از سرنگونی رژیم صدام، از خلأ

سیاسی پس از جنگ استفاده کرده و جمعیت قابل توجهی از کردها را در کرکوک اسکان داده‌اند و همین مساله ترکیب جمعیتی این شهر راهبردی را به نفع کردها و به ضرر دو اقلیت دیگر آن یعنی ترکمن‌ها و اعراب رقم زده است. کردها هم در پاسخ به این ادعا می‌گویند: «کردهایی که به کرکوک بازگشته‌اند، بخشی از شمار کردهایی بوده‌اند که در دوران رژیم صدام و در چارچوب سیاست تعریب مجبور به ترک کاشانه خود شدند.»

باید گفت نگاه ترکیه به کرکوک علاوه بر مسائل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، نگاهی قومی است. ترک‌ها سعی دارند با پالایش هویت قومی ترکمن‌های کرکوک، به‌نوعی هویت فرهنگی و نژادی آنها را سیاسی کنند. نگرانی عمیق ترکیه از مساله کرکوک و قرار گرفتن آن در حیطه جغرافیایی حکومت محلی کردستان عراق، آن است که این مساله تحولات کردهای عراق را برای استقلال تقویت خواهد کرد و دسترسی آنها به منابع نفت کرکوک، پایه‌های اقتصادی استقلال کردستان و تجزیه عراق را محکم خواهد کرد و این عاملی است در جهت سوق دادن کردهای ترکیه به سمت خودمختاری و استقلال و در نهایت تجزیه این کشور.

برای جلوگیری از این امر، دولت اردوغان در سال‌های اخیر تحت تاثیر تحولات جدید منطقه‌ای پس از جنگ عراق و فشارهای اتحادیه اروپا، تغییراتی در سیاست کردستانیزانه دولت‌های قبلی ترکیه داده است. آزادی محدود آموزش به زبان کردی و پخش محدود کنترل شده برنامه رادیو و تلویزیونی به این زبان از شبکه‌های دولتی ترکیه از آن جمله است. همچنین دولت ترکیه در سال‌های اخیر برگزاری مراسم جشن نوروز را برای کردهای این کشور آزاد گذاشته است. به‌رغم آنکه اردوغان شخصا در دیاربکر، بزرگ‌ترین شهر کردنشین ترکیه به واقعیت کردها در ترکیه اذعان داشت، نگرانی وی از اثرپذیری مناطق کردنشین ترکیه از روند تحولات کردستان عراق همچنان پابرجاست.<sup>۲۷</sup>

در این میان توقعات کردهای ترکیه برای برخورداری از امتیازات فرهنگی و سامان یافتن اوضاع اقتصادی و توسعه مناطق کردنشین بالا رفته است، به‌طوری‌که بارها از جانب کردهای ترکیه تظاهراتی در واکنش به اقدامات سخت‌گیرانه این کشور برگزار شده که نشان از تغییر شرایط در این کشور دارد.

رشد و گسترش رسانه‌های کردی در عراق و اروپا نیز همانند اهرم فشاری علیه دولت ترکیه عمل می‌کند، لذا این کشور تحت هر شرایطی تلاش خواهد کرد در برابر تحرکات احتمالی کردهای عراق برای برخورداری از دولت مستقل مقابله کند. تهدیدهای نظامیان ترکیه و حتی دولتمردان این کشور به دخالت نظامی در کردستان عراق به بهانه سرکوب پ.ک.ک. در واقع هشدار به کردهای عراق است. در این خصوص رجب طیب اردوغان در بیانیه‌ای اظهار داشته است: «در صورتی که کرکوک تحت سیطره کردهای عراق درآید، دست بسته به نظاره نخواهیم نشست. برپایی دولتی کرد در شمال عراق و ملحق شدن کرکوک به آن تحریکی است برای کردهای ترکیه که آنان را برای جدا شدن تشویق می‌کند.» نامیک‌تان، سخنگوی سابق وزارت خارجه ترکیه، نیز در این خصوص گفته است: «عراق مدل کوچکی از خاورمیانه است و کرکوک نیز ماکتی از عراق به حساب می‌آید. اگر کسی بخواهد ساختار تاریخی آن را برهم بزند، تعادل منطقه نیز دگرگون می‌شود. ترکیه در مورد کرکوک حساس است و اعتقاد دارد این شهر باید تحت کنترل دولت مرکزی عراق باشد.»<sup>۲۸</sup>

این موضوع برای دولت ترکیه چنان حایز اهمیت است که با وجود اتهام‌های مکرر از سوی اتحادیه اروپا در خصوص نقض حقوق بشر در بخش‌های کردنشین جنوبی این کشور، همچنین به‌رغم موانعی که ترکیه را از سطح بالاتر مذاکرات با سران اتحادیه اروپا باز داشته است، مقامات آنکارا ناگزیر بوده‌اند دفع خطرات زیاده‌خواهی‌های کردهای کشور خود را در اولویت طرح‌های امنیتی قرار دهند. در این میان اگر کردهای عراق بتوانند همچون موفقیتی که در کسب پست‌های کلیدی در دولت موقت و دولت وقت عراق داشتند، اختیارات قانونی وسیع‌تری را به‌دست آورند، موجودیت و مطالبات چندین ساله جمعیت قابل توجه کرد در بخش‌های جنوبی ترکیه و به‌ویژه حزب کارگران کرد ترکیه (پ.ک.ک) نیز به پایداری روزافزونی خواهد رسید.

به‌طور کلی در تعیین نوع روابط میان حکومت منطقه‌ای کردستان عراق و ترکیه، عوامل مهمی چون وجود ذخایر نفتی در کردستان، مرز مشترک کردستان عراق با کردهای ترکیه و حضور اقلیت ترکمن در شمال عراق نقش بسزایی دارند.

با توجه به مطالب مطرح شده، شایان ذکر است که ترکیه در صورت استقلال یا افزایش

اختیارات فدراتیو کردها، آسیب نابرابری نسبت به سایر همسایگان اقلیم کردستان عراق خواهد دید و به همین علت ترجیح می‌دهد وضعیت حقوقی کرکوک در پیوند با دولت مرکزی تعریف و نفت آن نیز زیر نظر دولت مرکزی عراق اداره شود.

## دو. رژیم صهیونیستی اسرائیل

اسرائیل تنها رژیم یهودی جهان می‌باشد و این مساله نوعی انزوای هویتی را برای آن ایجاد کرده است. به همین سبب این رژیم برای خروج از انزوای منطقه‌ای خود و ائتلاف با دولت‌های پیرامون غیرعرب در منطقه خاورمیانه، جهت اعمال فشار بر اعراب در پی ایجاد نفوذ بر اکراد شمال عراق است. تمایل اسرائیل به برقراری مناسبات با اکراد شمال عراق و حمایت گسترده مالی و تسلیحاتی از آنها مبتنی بر آموزه اتحاد پیرامونی بن گوریون، نخستین رییس‌جمهور اسرائیل، است.<sup>۲۹</sup> آموزه اتحاد پیرامونی از زمان تشکیل دولت یهود در ۱۹۴۸ تاکنون راهنمای این رژیم در برقراری روابط با اقلیت‌های قومی منطقه همچون مارونی‌ها و دروزی‌ها در لبنان، کردهای عراق، مسیحیان سیاه‌پوست جنوب سودان و کشورهای غیرعربی مانند ایران، ترکیه و اتیوپی بوده است. هدف این آموزه درهم شکستن محاصره و انزوای منطقه‌ای اسرائیل، از طریق برقراری رابطه با کشورهای غیرعرب واقع در خاورمیانه است.

حمایت اسرائیل از کردهای شمال عراق زمانی صورت جدی به خود گرفت که موساد در دهه ۱۹۵۰ بخش بزرگی از یهودیان کرد را طی عملیاتی تحت‌عنوان «عزرا و نهمیه» به اسرائیل مهاجرت داد. مهاجرت‌های مشابه دیگری نیز طی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ توسط موساد سازماندهی شد. هاویو شیمون، رییس سابق سازمان ملی یهودیان کرد مستقر در اسرائیل، در سال ۱۹۷۳ شمار یهودیان کرد مهاجر در اسرائیل را ۹۰ هزار نفر اعلام کرد.<sup>۳۰</sup> اسحاق مردخای وزیر دفاع اسرائیل در دوران نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو (۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹) جزو کردهای یهودی‌تبار مهاجرت کرده از عراق بود.<sup>۳۱</sup>

حمایت اسرائیل از کردها به صورت رسمی در ۱۹۸۰ توسط مناخیم بگین علنی شد. وی فاش کرد بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۵ اسرائیل به کردهای عراق پول و اسلحه داده و آنها را

تحت آموزش نظامی خود قرار داده است. در این سال‌ها اسرائیل با همکاری شاه ایران، سرویس اطلاعاتی کردها به نام پرستین را تأسیس و از آن پس واحدهای جاسوسی اسرائیل در مناطق کردنشین عراق به فعالیت پرداختند. در سال ۱۹۷۲ جک اندرسون، روزنامه‌نگار آمریکایی، فاش کرد که اسرائیل هر ماه ۵۰۰۰۰ دلار به شخص بارزانی می‌دهد و کردهای عراق را به سلاح‌های ساخت شوروی که از مصر و سوریه به‌غنیمت گرفتند، مسلح کرد تا مقامات عراقی را به این تصور رهنمون کند که شوروی به کردها سلاح می‌دهد. هدف اسرائیل از کمک به کردهای عراق در این سال‌ها جلوگیری از پیوستن واحدهایی از ارتش عراق به ارتش سوریه و مصر برای جنگ با اسرائیل بود.<sup>۳۳</sup>

در هم‌گرایی کنونی بین کردهای عراق و اسرائیل، باید به مؤلفه قدرت فنی اقتصادی—سیاسی اشاره کرد؛ زیرا اسرائیل زمینه‌های حضور خود را در کردستان عراق به‌ویژه در شهر کرکوک با زیرساخت‌های فنی منطقه آغاز کرده و این حضور را به تدریج به حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در کردستان عراق گسترش داده است.<sup>۳۴</sup> از طرف دیگر، کردها هم به‌خوبی می‌دانند بدون داشتن اقتصادی قوی و متحدی قدرتمند، تشکیل یک دولت مستقل کردی نخست در عراق و سپس در منطقه امکان‌پذیر نخواهد بود. شایان ذکر است در حال حاضر اسرائیل تنها حامی تشکیل یک دولت مستقل کردی در خاورمیانه به حساب می‌آید.

یکی از دلایل مهم نزدیکی کردها به اسرائیل و لابی یهودی در آمریکا، جلب نظر آمریکا در حمایت قطعی از استقلال طلبی کردهاست. آمریکا در چند دهه گذشته هیچ‌گاه به‌صورت جدی از تشکیل یک دولت کردی در منطقه خاورمیانه حمایت نکرده و دلیل این امر هم نگرانی از تهدید منافع حیاتی آن کشور در منطقه به‌واسطه تشکیل یک دولت مستقل کردی می‌باشد.

بی‌شک تلاش‌های روزافزون کردهای شمال عراق برای اثرگذاری بر کشورهای همسایه منطقه کردنشین عراق، منافع فراوانی برای اسرائیل در پی خواهد داشت. اگر کردهای عراق به‌ویژه کرکوک قادر به صورت‌بندی همبستگی‌های خود باشند، تردیدی برای حمایت قاطع تل‌آویو از استقلال کردهای منطقه باقی نمی‌ماند، به‌ویژه آنکه اسرائیل بارها حمایت خود از تشکیل کشور مستقل کرد در شمال عراق به مرکزیت کرکوک و آمادگی تحویل موشک‌های

استیونگر به این کشور فرضی را ابراز داشته است. همچنین، دالان فضایی به وجود آمده از سوی اسرائیل به سمت استان‌های کرکوک، اربیل، سلیمانیه و موصل به منظور ایجاد دیوار دفاعی راهبردی به دور بخش‌های شمالی عراق، پایگاه اطمینان‌بخشی است که دولت تل‌آویو را در دسترسی به وزنه موازنه‌گر دیگری در ترتیبات نوین خاورمیانه و آسیای مرکزی یاری می‌دهد.<sup>۳۵</sup>

ایجاد هم‌گرایی بین اسرائیل و کردستان عراق، هم‌اهرم فشاری است در دست اسرائیل علیه کشورهای ایران، ترکیه و سوریه و هم‌عاملی است در جهت تقویت قدرت مانور کردها، به‌ویژه کردهای کردستان عراق در برابر این سه کشور. در طی سال‌های اخیر، سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی اسرائیل بدون دغدغه به آموزش کردها در کردستان عراق به‌منظور انجام اقدامات جاسوسی و شورش‌ها در ایران، سوریه و ترکیه و مقابله با نفوذ شیعیان و شورشیان سنی پرداخته‌اند. گزارش روزنامه *یدیوت آحارنوت* در اول سپتامبر ۲۰۰۵ در مورد آموزش نیروهای امنیتی کرد از سوی اسرائیلی‌ها، حضور اسرائیل در شمال عراق را به یقین مبدل ساخت.<sup>۳۶</sup> همچنین اسرائیل با تشکیل حکومت مستقل کرد در پی آن است تا زنجیره میان شیعیان که از پاکستان تا لبنان کشیده شده است را قطع کند.<sup>۳۷</sup>

روزنامه قطری عرب *آنلاین* در مقاله‌ای تحت‌عنوان «کرکوک، بیت‌المقدس دیگری» نوشته رئوف التیجانی به بررسی نقش رژیم صهیونیستی در شهر کرکوک می‌پردازد. وی می‌گوید: «رژیم صهیونیستی به دلیل ذخایر با ارزش نفت در کرکوک و همچنین به دلیل نزدیکی این منطقه از خاک عراق به سه کشور اسلامی ایران، ترکیه و سوریه، تلاش دارد تا آن را به بیت‌المقدس دیگر تبدیل نماید.»

التیجانی اذعان می‌دارد که به گفته منابع عراقی، اسرائیلی‌ها زمین‌ها را در شهر کرکوک پنج برابر قیمت واقعی خریداری می‌کنند. این حرکت اسرائیلی‌ها در کرکوک، یادآور آغاز ساخت شهرک‌های صهیونیست‌نشین در فلسطین اشغالی در دهه چهارم سده گذشته میلادی است؛ زمانی که آنها خرید زمین‌ها را در فلسطین اشغالی به‌ویژه در اطراف شهر اشغالی بیت‌المقدس آغاز کردند.

علاوه بر عامل ژئواستراتژیک ذکر شده، عامل دیگری نیز که ریشه در ایدئولوژی صهیونیسم و

تاریخ یهود دارد، باعث توجه اسرائیل به کردهای عراق شده که عبارت است از تمایل اسرائیل به نزدیکی به ملت‌های بدون دولت. به باور یهودیان ملت‌هایی نظیر کردها و ارامنه که قرن‌ها فاقد دولت بوده‌اند، از نظر تاریخی وجوه مشترک زیادی با یهودیان دارند و می‌توانند متحدان مناسبی برای آنها باشند. یکی از دلایل و شاید مهم‌ترین دلیل توجه اسرائیل به شهر کرکوک، جنبه معنوی و تاریخی این شهر است که به جنبه تاریخی و باستانی شهر بیت‌المقدس نزدیک است، به همین علت شاید کرکوک برای اسرائیل در حکم بیت‌المقدس دوم باشد. در این خصوص باید گفت شاید وجود مقام سه پیامبر در کرکوک یکی از عوامل جلب توجه اسرائیل به این شهر باشد. وجود ذخایر نفتی عظیم در مناطق کردنشین به‌ویژه در شهر کرکوک عامل مهم دیگر در جذب اسرائیل به سمت این مناطق به‌شمار می‌رود. به گفته التیجانی: «نوسازی تاسیسات نفتی شهر کرکوک به هشت میلیارد دلار نیاز دارد تا تولید نفت میدان‌های آن به پنج میلیون بشکه در روز برسد. با توجه به اینکه زمینه‌های بهره‌برداری نفتی در عراق به لطف! اشغال این کشور ایجاد شده است، این هشت میلیارد دلار ممکن است به ۱۶ تا ۲۴ میلیارد دلار افزایش یابد، به همین سبب یهودیان از هم‌اکنون تلاش می‌کنند تا می‌توانند زمین‌های بیشتری در کرکوک خریداری کنند تا آن را به لاس وگاس خاورمیانه تبدیل کنند.»

منافع کردهای عراق در نزدیکی به اسرائیل به‌طور کلی عبارتند از:

یک. کسب استقلال سیاسی؛

دو. جلب حمایت آمریکا؛

سه. مقابله با ایران، سوریه و ترکیه؛ و

چهار. افزایش قدرت اقتصادی و فنی.

منافع اسرائیل از نفوذ به قسمت‌های غنی کردنشین عراق به‌ویژه کرکوک به‌طور کلی و

فهرست‌وار عبارتند از:

یک. بهره‌برداری از منابع نفتی مناطق کردنشین به‌ویژه کرکوک؛

دو. راه‌اندازی مجدد خط لوله نفتی کرکوک-حیفا؛

سه. دستیابی به زمین‌های مرغوب و حاصل‌خیز در این مناطق؛

چهار. دست‌یابی به منابع غنی آب در منطقه؛  
 پنج. دسترسی و کنترل جامعه بزرگ کرد در ایران؛  
 شش. سازماندهی گروه‌های ترور در این مناطق،  
 هفت. پوشش عملیات ترور در ایران، سوریه و ترکیه توسط گروه‌های سازمان‌یافته در این  
 مناطق؛ و

هشت. یافتن متحدانی ساختارشکن در منطقه حساس خاورمیانه.

اسرائیلی‌ها و کردها غالباً دشمنان مشترکی دارند و این دلیل خوبی است برای ایجاد اتحاد  
 میان آنها. برای اسرائیل، کردها یک سپر و ضربه‌گیر عمده در برابر حملات اعراب و جهان اسلام  
 خواهند بود و برای کردها، ایجاد یک اتحاد قوی با اسرائیل علاوه بر اینکه نیازهای نظامی آنها را  
 تامین می‌کند، یک راه عمده برای نزدیکی آنها به واشنگتن به حساب می‌آید.

### سه. سوریه

در مورد سوریه باید گفت جمعیت کرد این همسایه شمال غربی عراق بسیار کمتر از کردهای  
 ترکیه، عراق و ایران است. بخش کردنشین سوریه در شمال خاوری و شمال این کشور می‌باشد که  
 بخشی از استان‌های حسکه، رقه، حلب و قامشلی را در بر می‌گیرد. شمار زیادی از کردها در  
 شهرهای بزرگ مانند حلب و دمشق زندگی می‌کنند. کردها ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت ۲۲ میلیون  
 نفری سوریه را تشکیل می‌دهند و همانند ترکیه و عراق بزرگ‌ترین اقلیت نژادی آن کشور هستند.<sup>۳۸</sup>  
 موضوع حایز اهمیت در این قسمت، بررسی رویکرد سوریه نسبت به استقلال اقلیم کردستان  
 عراق و الحاق کرکوک به آن، قبل و بعد از تحولات اخیر این کشور است. باید گفت تا پیش از  
 آغاز درگیری‌ها در سوریه، این کشور همانند ترکیه مخالف هرگونه استقلالی در شمال عراق بود؛  
 زیرا استقلال کردهای عراق را تشویقی برای کردهای سوریه در جهت رفتن به سمت خودمختاری  
 و در نتیجه تجزیه سوریه می‌دانست و برای جلوگیری از این واقعه، جمعیت کرد خود را در  
 سال‌های اخیر در فضایی بسته و فارغ از حداقل حقوق شهروندی نگه داشته است. سوریه الحاق  
 کرکوک به اقلیم کردستان را در راستای منافع خود نمی‌داند؛ زیرا کرکوک با دارا بودن جمعیت

غالب کرد و ذخایر عظیم انرژی، در صورت پیوستن به جرگه مناطق خودمختار کردی در عراق، پایه‌های قدرت این مناطق را در جهت ائتلاف با نواحی کردنشین کشورهای همسایه عراق همانند سوریه بیش از پیش تقویت می‌کند.

اما با آغاز درگیری‌ها در سوریه وضع به‌گونه‌ای دیگر تغییر کرد. حزب بعث بشار اسد که تا پیش از تحولات اخیر کشورش، کردها را به‌عنوان ساکنان بومی سوریه به رسمیت نمی‌شناخت و آنها را از حداقل امکانات محروم کرده بود، اکنون برای در دست گرفتن کنترل اوضاع و جلوگیری از پیوستن کردها به نیروهای اپوزیسیون، دست به یکسری اصلاحات زده است که به برکت این اصلاحات، کردها از حق شهروندی برخوردار و پس از سالیان متوالی موفق به دریافت شناسنامه شده‌اند. در حال حاضر کردها مهم‌ترین برنده ناامنی‌ها و اعتراضات در سوریه هستند؛ زیرا بشار اسد حاضر به واگذاری امتیازاتی به مناطق کردنشین شده و ارتش سوریه را از این مناطق خارج نموده و کنترل اوضاع را به دست خود کردها داده است و کردها نیز در مقابل به دولت بشار اسد تعهد داده‌اند علیه حکومت وی اقدامی نکنند.

خالد عیسی، یکی از مسئولین کرد سوری که به پاریس پناه آورده است، در گفتگو با روزنامه *فینگارو* در این باره می‌گوید: «مناطق قبانه، آفرین، عمودا، دریکا حاکمو و جیر حلاقه توسط کردها اداره می‌شوند. فقط شهرهای قامشلی و راس‌العین و درباشیه باقی مانده‌اند که در این شهرها مقامات محلی به کردها قول واگذاری تدریجی کنترل اوضاع را به آنها داده‌اند.»<sup>۳۹</sup>

برخلاف کردهای عراق، کردهای سوری اطمینان می‌دهند قصد مبارزه برای کسب استقلال را ندارند. خالد عیسی در این خصوص می‌گوید: «هدف ما اداره کردن امور خود است و ما به دنبال جدایی نیستیم.»<sup>۴۰</sup>

درگیر شدن ترکیه در وقایع اخیر سوریه نیز بهترین فرصت را برای کردهای سوریه فراهم آورده است تا آنها با توافق دولت بشار اسد بتوانند مسلح شوند و همان‌طور که ذکر شد، کنترل و اداره منطقه خود را به‌دست گیرند و ارتش سوریه نیز بتواند با واگذاری مأموریت امنیت منطقه کردنشین به خود آنها، به سایر نقاط بحران‌زده سوریه از جمله حلب اعزام شود. هم‌اکنون دولت سوریه موقعیتی را فراهم آورده است تا در پناه آن گروه پ.ک.ک بتواند فعالیت خود را از سر بگیرد

و از این طریق کردهای ترکیه را علیه حکومت مرکزی بسیج کند. این اقدام بشار اسد در واقع عکس‌العملی است در قبال دخالت‌های مکرر ترکیه در بروز درگیری‌های اخیر سوریه که نتیجه این اقدام وی نیز منجر به ایجاد ناامنی و درگیری‌های اخیر در نواحی غربی کشور ترکیه گردیده است. از طرف دیگر با شروع درگیری‌ها در سوریه، مسعود بارزانی رهبر اقلیم کردستان فرصت یافت تا نوعی هم‌سویی بین کردهای سوریه (که اکثر آنها اصالتاً عراقی هستند) و کردستان عراق ایجاد کند. وی سعی دارد با استفاده از این فرصت پیش آمده خود را حامی کردهای سوریه نشان دهد و آنها را به پیروی از الگوی حکومت اقلیم کردستان تشویق نماید. از زمان امضای سند تفاهم هولر یا اربیل (۱۱ جولای ۲۰۱۲) بین شورای ملی کردهای سوریه و مجلس خلق در غرب کردستان وابسته به حزب اتحادیه دموکراتیک زیر نظر مسعود بارزانی تا کنون، اقلیم کردستان سعی در نفوذ بین کردهای سوریه داشته است.<sup>۴۱</sup>

در ماه‌های اخیر نیز بیش از ۲۰۰ نماینده کرد سوری از ۲۵ کشور برای شرکت یک کنفرانس دو روزه در اربیل، پایتخت منطقه‌ی خودمختار کردستان عراق گردهم آمدند. حامد درویش، رهبر حزب مترقی دموکرات کرد سوریه، در این رابطه گفت: «ما نمی‌خواهیم دقیقاً آنچه در عراق اتفاق افتاد در سوریه نیز رخ دهد؛ زیرا با شرایط متفاوتی روبه‌رو هستیم.» وی افزود: «ما می‌خواهیم حقوق ما در قانون اساسی کشور ذکر و از سوی برادران عرب ما به رسمیت شناخته شود.» عبدالحکیم بشر، رهبر حزب دموکرات کرد سوریه، نیز خواستار خودمختاری برای مناطق کردنشین در چارچوب یک سوریه واحد مبتنی بر عدم تمرکز قدرت شد.<sup>۴۲</sup> در حال حاضر با خروج نیروهای ارتش سوریه از مناطق کردنشین، فضا برای ورود نیروهای پیشمرگ کردی از اقلیم کردستان عراق محیا شده است. به نظر می‌رسد حکومت اقلیم کردستان قصد دارد نقش آموزش و سازماندهی کردهای سوریه را بر عهده گیرد تا یک نوع نفوذ ساختاری در بین آنها پیدا کند و بدین وسیله کردهای سوریه در هر دو صورت بقای بشار اسد یا سرنگونی وی، بتوانند امتیازات بیشتری را به خود اختصاص دهند.<sup>۴۳</sup>

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که رویکرد سوریه نسبت به اقلیم کردستان عراق و الحاق کرکوک به آن و ادامه آزادی عمل کردها در مناطق کردنشین سوریه تا حد زیادی به آینده

حکومت بشار اسد بستگی دارد، اما به هر حال کردها با استفاده از فرصت پیش آمده سعی در بهبود وضعیت خود دارند؛ حتی در صورت سرنگونی حکومت بشار اسد.

### سناریوهای پیش رو در خصوص آینده کرکوک

همان طور که در مقدمه ذکر شد، بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق باید حداکثر تا ۲۰۰۷ با برگزاری همه‌پرسی وضعیت شهر کرکوک مشخص می‌شد، اما به دلیل وجود اختلافات گسترده و عمیق میان کردها، اعراب و ترکمن‌ها این همه‌پرسی تا کنون به تعویق افتاده است. سه احتمال در خصوص آینده کرکوک وجود دارد:

یک. الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق؛

دو. قرار گرفتن کرکوک زیر نظر دولت مرکزی؛ و

سه. اعلام کرکوک به عنوان شهری چندفرهنگی.

اخیرا راهکار دیگری نیز مورد توجه مقامات عراقی قرار گرفته است که آن هم الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق منهای تسلط بر منابع نفتی موجود در این شهر است. در واقع بر اساس این طرح، دولت مرکزی عراق در صورتی حاضر به واگذاری کرکوک به اقلیم کردستان می‌شود که منابع نفتی آن زیر نظر دولت مرکزی باشد نه تحت کنترل مقامات کردی کردستان عراق. به باور کردهای عراق، کرکوک شهری کردی و متعلق به اقلیم کردستان عراق است و همان طور که در بخش‌های مختلف مقاله ذکر شد، برای این ادعای خود دلایلی هم ارائه می‌دهند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

یک. توافق دولت مرکزی با ملامصطفی بارزانی به تاریخ یازدهم مارس ۱۹۷۰؛<sup>(۱)</sup>

۲. توافقات معاهده «سور» به تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۲۰ که بر اثر عهد شکنی‌های انگلیس در

پیمان لوزان در سال ۱۹۲۳ به فراموشی سپرده شد.<sup>۴۴</sup>

۱. توافق دولت مرکزی عراق با ملامصطفی بارزانی به تاریخ یازدهم مارس ۱۹۷۰ (مشمول بر ۱۵ ماده)، معاهده‌ای مبنی بر تشکیل دولت خودگردان کرد که طی این معاهده حکومت عراق حقوق کردها را از جمله حق مشارکت در حکومت عراق و استفاده از زبان کردی در مؤسسات آموزشی به رسمیت شناخت.

اما از نظر اعراب، کرکوک با تمام معیارهای عرفی، تاریخی و باستان‌شناسی، شهری عراقی - عربی است و حضور کردها و ترکمن‌ها در این شهر با هر نسبتی نمی‌تواند دلیلی برای انکار هویت اصلی آن باشد. ترکمن‌ها نیز در مخالفت با طرح پیوستن کرکوک به کردستان با اعراب هم‌صدا شده‌اند. دلایل مطرح شده توسط «اتحاد ترکمن‌های عراق» و اعضای غیرکرد «شورای حاکمیت عراق» برای مخالفت با ادعای اکراد عبارتند از:

یک. جدایی کرکوک باعث شعله‌ور شدن آتش فتنه عظیمی در عراق خواهد شد که پیامدهای آن بسیار خونبار و ویرانگر خواهد بود، به‌ویژه که در حال حاضر عراق از یک دولت مرکزی قدرتمند برخوردار نیست؛

دو. این طرح به تقسیم عراق خواهد انجامید؛ چرا که از این پس هر قومیتی برای رسیدن به منافع خود تلاش در جهت جدا شدن را آغاز خواهد کرد؛ و

سه. توان عراقی‌ها در حمایت از خود کاهش می‌یابد و دست خارجی‌ها برای دخالت‌های وقت و بی‌وقت در مسائل داخلی بیش از پیش باز خواهد شد.<sup>۴۵</sup>

علاوه بر عوامل فوق، عامل دیگری نیز وجود دارد که مهم‌ترین دلیل مخالفت اعراب و ترکمن‌ها با الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق است و آن هم وجود منابع عظیم نفتی در شهر کرکوک است. همان‌طور که گفته شد، قرار گرفتن کرکوک نفت‌خیز در زیرمجموعه اقلیم کردستان عراق سبب قدرتمند شدن بیش از پیش کردها و در نتیجه تسلط آنها بر کشور عراق می‌شود.

علاوه بر مخالفت‌های داخلی، کشورهای همسایه عراق مانند ترکیه، سوریه و تاحدودی ایران نیز با الحاق کرکوک به اقلیم کردستان مخالف هستند؛ زیرا با الحاق کرکوک به این منطقه، قدرت اقتصادی اقلیم کردستان عراق بیش از حد تقویت شده و در نتیجه، کردستان عراق در جهت هم‌سو کردن کردهای کشورهای همسایه با خود و تشویق آنها به سمت استقلال و خودمختاری گام بر می‌دارد.

به هر حال بعد از فروپاشی رژیم بعث عراق و با بازگشت کردها و ترکمن‌ها به کرکوک و با اذعان به این مساله که کردها جمعیت حداکثری را در این شهر تشکیل می‌دهند و تا پیش از سیاست تعریب هم بر اساس اسناد موجود جمعیت غالب را در شهر کرکوک شامل می‌شدند، در

صورت برگزاری همه‌پرسی، نتیجه آن الحاق شهر کرکوک به اقلیم کردستان عراق خواهد بود. از طرفی، مقامات کرد عراق هم به شدت بر اجرایی شدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق و برگزاری همه‌پرسی در اولین فرصت اصرار می‌ورزند. نوری المالکی، نخست وزیر عراق، هم در کنفرانس خبری مشترکی که در ۲۰۰۷ با مسعود بارزانی، رییس اقلیم کردستان عراق داشت، به مشکلات موجود در سر راه اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی اشاره کرد و گفت: نباید بگذاریم این موانع و مشکلات در برگزاری همه‌پرسی در شهر کرکوک خللی ایجاد کند.

با توجه به مطالب ذکر شده، در می‌یابیم مشکلات و موانع متعددی بر سر راه الحاق کرکوک به اقلیم کردستان وجود دارد، اما باید گفت به‌رغم وجود این مسائل، کردزدایی از شهر کرکوک بسیار دشوار و شاید محال باشد.

### نتیجه‌گیری

دولت مرکزی عراق در رابطه با مساله کرکوک با تناقض بزرگی دست و پنجه نرم می‌کند؛ زیرا از یک طرف چنانچه بر اساس قانون اساسی این کشور و خواست تاریخی کردها حاکمیت این منطقه را به آنها بدهد، با اغتشاشات داخلی از سوی اعراب متعصب و تیره شدن روابطش با همسایگانی چون سوریه و ترکیه مواجه خواهد شد، و از سوی دیگر در صورت سر باز زدن از اجرای قانون اساسی و تامین نکردن نظر کردها، با خشونت‌های قومیتی در کرکوک و رویارویی با کردها در عرصه ملی اعم از پارلمان و هیات اجرایی که در رأس آنها رییس‌جمهور کرد عراق یعنی جلال طالبانی قرار دارد، روبه‌رو خواهد گردید.

همچنین باید اذعان داشت حمایت اسرائیل از کردهای منطقه به‌ویژه کردهای عراق، وزن قابل توجهی را به اقلیم کردستان داده است تا بتواند با قدرت هرچه تمام‌تر بر ادعای خود مبنی بر واگذاری کرکوک به کردستان عراق پافشاری کند. مساله کرکوک برای دولت مرکزی عراق بدون هزینه به نتیجه نخواهد رسید و تنها امیدواری دولتمردان آن کشور می‌تواند این باشد که این مساله با حداقل هزینه‌های سیاسی امنیتی به فرجامی نیک برسد.

به هر حال با بررسی ریشه‌های تاریخی مساله و تحلیل شرایط کنونی اقلیم کردستان و دولت

مرکزی، می‌توان دریافت مساله کرکوک نه‌تنها بر آینده عراق سایه افکنده، بلکه وضعیتی فراملی و منطقه‌ای به خود گرفته است.

با توجه مطالب مطرح شده و اینکه:

یک. کشور عراق هنوز درگیر پیامدهای منفی جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس و اشغال نه‌ساله آن کشور توسط اشغالگران غربی بوده و از قدرت مرکزی بالایی برخوردار نمی‌باشد؛ دو. این کشور در حال حاضر اوضاع امنیتی بسیار شکننده و بی‌ثباتی دارد؛

سه. مسئولین و مردم کردستان عراق در چند سال اخیر مزایای خودمختاری را تجربه کرده‌اند؛ و چهار. کردها دلایل و مستندات قابل توجهی در خصوص کرد بودن شهر کرکوک در اختیار دارند؛ بعید به نظر می‌رسد دولت مرکزی بتواند با خواست کردها مخالفت نموده و از اجرای موارد پیش‌بینی شده در قانون اساسی سر باز زند و لذا از بین سناریوهای سه‌گانه فوق‌الذکر، سناریوی الحاق کرکوک به کردستان عراق متصورتر می‌باشد. آنچه در این میان قابل توجه است، خواست و تلاش اسرائیل برای ظهور اقلیمی قدرتمند در شمال عراق است که شامل کرکوک نفت‌خیز هم می‌شود. در سال‌های پس از بیداری اسلامی در جهان عرب، اسرائیل امیدوار است بخشی از عمق راهبردی مخدوش خود را از طریق مراوده تجاری-کشاورزی و صنعتی با اقلیم کردستان جبران نماید. دیدار هیات بلندپایه اقلیم از اسرائیل و مزارع مکانیزه کشاورزی تل‌آویو و حیفا در همین راستا قابل توجه است.

## منابع و یادداشت‌ها:

## 1. fa.wikipedia.org

۲. محمود دهقانی، کرکوک در انتظار بحرانی بزرگ، مرکز تحقیقات استراتژیک، خرداد ۱۳۸۶.
  ۳. «حوزه‌های نفتی کرکوک نقطه تلاقی چهارگانه سلطه‌طلبانه»، نشریه/ایران، ۸ شهریور ۱۳۸۲.
  ۴. «کرکوک آزمون سرنوشت عراق»، نشریه میهن، شماره ۲، ۱۹ مرداد ۱۳۸۷.
  ۵. عباس فاطمی، «سرزمین سرنوشت‌ساز»، نشریه/اعتماد، ۱۲ مهر ۱۳۸۳.
  ۶. همان.
  ۷. پیتر گالبرایت، «کردها و عراق پس از صدام»، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، شماره ۳۲، بهمن ۱۳۸۱، ص ۶.
  ۸. ویلیام ایگلتن، جمهوری ۱۹۴۶ کردستان، ترجمه محمد صمدی، مه‌آباد، ۱۳۶۰.
  ۹. همان.
  ۱۰. عباس فاطمی، پیشین.
  ۱۱. روزنامه شرق، «اعترافات طاها یاسین رمضان در دومین جلسه محاکمه وی»، شماره ۸۴۰، ۱ شهریور ۱۳۸۵.
  ۱۲. عباس فاطمی، پیشین.
  ۱۳. به نقل از سایت علمی پژوهشی تکثیرسازان، «جغرافیای سیاسی - امنیتی کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر ایران»، در: [www.dociran.com](http://www.dociran.com)
  ۱۴. «حوزه‌های نفتی کرکوک نقطه تلاقی چهارگانه سلطه‌طلبانه»، پیشین.
  ۱۵. «کرکوک آزمون سرنوشت عراق»، پیشین.
  ۱۶. همان.
  ۱۷. «از کرکوک تا بصره: صنعت نفت عراق»، نشریه اقتصاد/ایران، شماره ۱۱۳، تیرماه ۱۳۸۷.
18. [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)
۱۹. «از کرکوک تا بصره: صنعت نفت عراق»، پیشین.
20. [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)
۲۱. «کرکوک آزمون سرنوشت عراق»، پیشین.
  ۲۲. همان.
  ۲۳. حسن نقدی نژاد، نبرد بی پایان مبارزه ترکیه با کردها، مرکز تحقیقات استراتژیک، خرداد ۱۳۸۷.

۲۴. محسن مرادیان، *آشنایی با کشور ترکیه، ارتش جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران، ۱۳۸۴.*

۲۵. طرح ژنرال‌های ترکیه برای تصرف کرکوک، گزارش خبری - تحلیلی پایگاه اطلاع‌رسانی نوروز.

۲۶. «ترکیه، نگران تحولات کردستان عراق»، به نقل از سایت اینترنتی: [www.vista.ir](http://www.vista.ir)

همان، ۲۷.

۲۸. رحمن قهرمانپور، «رویکرد اسرائیل به منطقه کردنشین شمال عراق»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی-*

*آمریکا شناسی، سال نهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۶، ص ۷۶.*

۲۹. آبا امان، قوم من، ترجمه نعمت اله شکیب اصفهانی، تهران: چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۱، ص ۶۹۸.

۳۰. جلیل یعقوب‌زاده فرد، «اسرائیل و کردهای شمال عراق»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۵، شماره ۳ و ۴، پاییز و*

*زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۵۰.*

۳۱. رحمن قهرمانپور، پیشین، ص ۷۶.

همان، ص ۷۵.

همان، ص ۷۵ و ۷۶.

۳۴. محمدرضا عبدالله‌پور، «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی

*کردستان عراق»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۵.*

۳۵. دیاکو حسینی، «کرکوک دو راهی ثبات و ناامنی»، *نشریه شرق، شماره ۲۳ و ۲۴، فروردین ۱۳۸۴.*

۳۶. محمدرضا عبدالله‌پور، پیشین، ص ۱۰۲.

همان، ۳۷.

۳۸. سعید خالوزاده، *حرکت کردهای سوریه به سوی خودمختاری، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC، ۷ شهریور ۱۳۹۱.*

همان، ۳۹.

همان، ۴۰.

41. [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)

۴۲. سعید خالوزاده، پیشین.

۴۳. حسین علایی، *کردهای سوریه و رویکرد اقلیم کردستان عراق، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC، ۱۳ مرداد ۱۳۹۱.*

۴۴. معاهده سور در ۱۱ اوت ۱۹۲۰ با شرکت متفقین و نمایندگان خلیفه عثمانی با هدف تعیین تکلیف آینده این امپراتوری

برگزار شد و مهم‌ترین تصمیمات آن عبارت بودند از: واگذاری سوریه به فرانسه، واگذاری قیمومت بین‌النهرین به بریتانیا، ایجاد

کشور مستقل ارمنستان و در مواد ۶۲ و ۶۴ هم به مساله کردستان می‌پرداخت. در ماده ۶۲ بر ایجاد زمینه‌های خودمختاری محلی برای کردهای عثمانی در مناطقی که غلبه جمعیت با کردها بود و در ماده ۶۴ بر امکان کسب استقلال مناطق خودمختار بعد از یک سال در صورت صلاح‌دید جامعه ملل به وسیله کمیسیون که مقر آن در قسطنطنیه بود، تاکید می‌شد. رجوع کنید به: کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات مؤسسه نگاه، ۱۳۷۲، صص ۴۸ - ۴۷.

۴۵. ایلیا جزایری، کرکوک نفت و رقابتی کردی عربی، کوردستانی آزاد، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷.